

به سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)

رفقا: از مدت چند سال به این طرف است که ما برنامه و اساسنامه حزب کمونست واقعی (م.ل.م) افغانستان را تدوین و تاجیکه امکانات سیاسی ایدیولوژیک (م.ل.م) جنبش کمونستی افغانستان مساعدت میکرد به دسترس رفقا و علاقمندان ایجاد حزب گذاشتیم. طوریکه رفقا اطلاع دارند قسمت های از موضوعات این برنامه از جانب برخی رفقا اصولاً نقد و نظریات خویش را در مورد نیز ارایه داشته اند. چنانچه یکی از رفقا به نمایندگی از (کمیته مبارزه برای وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان ذریعه نوشته تحت عنوان (نقد و بررسی مسوده برنامه و اساسنامه مدون کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان) برنامه و اساسنامه تسویدی کمیته وحدت را طی پانزده صفحه مورد نقد و بررسی قرار داد. متعاقباً (کمیته وحدت.....) در جوابیه تحت عنوان (ادامه بحث بر نقد و بررسی مسوده برنامه و اساسنامه حزب کمونست واقعی (م.ل.م) افغانستان) خود در بعضی موارد موضوعات نوشته مذکور که نقد رفیق (کمیته مبارزه.....) علماً وارد بود بدرستی پذیرفته شد و در مورد اصلاح آن اطمینان ارایه گردید؛ اما در برخی از مسایل دیگر که ادامه جر و بحث را ایجاب میکرد در پراگراف مقدماتی نوشته مذکور از رفیق چنین تقاضا به عمل آمد: (برخی موضوعات که به نقد کشیده شده و یا راجع به آن توضیح بیشتر خواسته شده، در تکامل و بالا بردن کیفیت برنامه رول عمده و اساسی خواهد داشت. باز هم اگر در این رابطه جر و بحث های اضافی ایجاب میکند بهتر است در پلمیک های مستقیم به بحث ادامه داده شود تا از ضیاع بیشتر وقت جلوگیری به عمل آید).

ولی هر قدر که انتظار کشیده شد رفیق تا حال در این حصه بار دیگر چه مستقیم باشد و چه غیر مستقیم تماس نگرفت و به جواب نپرداخت.

درین اواخر رفیق گرامی به تاریخ 25 دسامبر 2007 اطلاعیه را به نشر سپرد که در آن نام تشکیلاتی خود را از "سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)" به "گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م.ل.م) تغییر داده است.

۱. فهمیده نشد که دوست عزیز نام تشکیلات سازمانی خود را چرا به گروه تنزیل داد. حالانکه مبارزه برسر برنامه تسویدی (کمیته وحدت.....) به منظور ایجاد حزب کمونست (م.ل.م) افغانستان از چند سال به این طرف ادامه دارد؛ و رفیق اولین کسی است که در چوکات (کمیته مبارزه.....) به برنامه تسویدی کمیته وحدت..... برخورد اصولی نموده است.

۲. ایجاد (کمیته مبارزه....) که رفیق در آن بحیث نماینده "سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)" عضویت داشت یک گام به پیش برای وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان برای ایجاد حزب است که باید از این طریق به مبارزه ادامه داده میشد.

۳. به منظور حل مشکلات سیاسی ایدیولوژیک جنبش کمونستی کشور به اثر تقاضای تاریخ ۲۰ می ۲۰۰۵ رفیق نماینده جناح سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری) (ب) و (ف،س) اشخاص مستقل در جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان که "کمیته مبارزه برای وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان در اروپا ایجاد کرده

بودند، (کمیته وحدت....) کنگره موسس ایجاد حزب را برای مدت سه سال دیگر به تعویق انداخت؛ ولی تا حال هر قدر انتظار کشیده شد به نتایج بعدی این روابط ارزشمند برای ایجاد کنگره موسس حزب نایل نه امیدیم. امید است اگر در رابطه به تاسیس این کنگره موسس گامی به جلو بگذاریم بهتر خواهد بود.

۴. رفیق همچنان در اطلاعیه تاریخ متذکره فوق تذکر داده است که از وحدت سیاسی ایدیولوژیک "سازمان پیکار برای نجات افغانستان" به دو بخش دیگر جنبش "محفل جوانان مترقی" و "مبارزین راه آزادی مردم" که "کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م)" را تشکیل داده اند صرفاً بعد از مطالعه سند منتشر شده تاریخ ۷ دلو ۱۳۸۲ مطابق ۲۷ جنوری ۲۰۰۶ اطلاع حاصل کرده است!! حالانکه یک بار دیگر تذکر باید داد که (کمیته وحدت...) چند سال قبل از این تاریخ در اسناد منتشره اتی خود یعنی در (سند اعلامیه منتشره تاریخ ۱۸ فبروری ۲۰۰۲، در پیش گفتار بخش اول برنامه منتشره یک جولای ۲۰۰۳، در صفحه ۹ بخش چهارم برنامه منتشره ۱۹ مارچ ۲۰۰۳ و همچنان در صفحه اول نوشته "فشرده گذارش ضرورت مبرم ایجاد حزب کمونست واقعی (م.ل.م) افغانستان" که به تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۰۵ به نشر سپرده شده از موضوع قدامت ایجاد (کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان به صراحت کامل تذکر به عمل آمده است که این اسناد حتماً به اختیار رفیق قرار داده شده است. خاصاً در اعلامیه تاریخی ۱۸ فبروری ۲۰۰۲ بعد از اخراج دو فرد تشکیلاتی "نمایندگان کمیته مشترک" که افراد تشکیلاتی (کمیته وحدت....) بودند موقف سیاسی ایدیولوژیک کمیته وحدت هر چه بیشتر تقویت یافت چنانچه تسوید و نشر برنامه و اساسنامه حزب کمونست واقعی (م.ل.م) افغانستان شاهد این مدعا است.

۵. رفیق در صفحه ۱۳ نوشته (شرائط عینی و ذهنی و "وضعیت انقلابی" در یک جامعه) خود چنین نگاشته است: "مطالعه، درک و فهم از رابطه دیالیکتی بین شرائط عینی و شرائط ذهنی و وضعیت انقلابی در یک جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است. وزمانی این رابطه به صورت واقعی و اصولی برقرار میشود که به موجودیت شرائط عینی در جامعه شرائط ذهنی یعنی حزب کمونست قدرتمند، فعال با پایه های مردمی وجود داشته باشد". بلی این یک واقعیت عینی و دیالیکتی است که پیروزی انقلاب یعنی انقلاب کردن با درک واقعی از شرائط عینی در پراتیک انقلابی میسر است که یکی از وسایل عمده آماده ساختن شرائط ذهنی یعنی ترسیم خط صحیح انقلاب حزب کمونست انقلابی (م.ل.م) میباشد.

حزب انقلابی در پروسه تکاملی خود مراحل مختلف انقلابی را میپیماید که از آماده ساختن شرائط برای ایجاد حزب گرفته تا تکامل این شرائط با یک خط صحیح انقلابی در دوران رهبری حزب، یعنی خلق افکار عمومی و کسب قدرت سیاسی را دربر میگیرد. بناءً حزب نمیتواند بدون طی این پروسه دیالیکتی تکامل انقلابی در ابتدای ایجادش حزب "قدرتمند، فعال و دارای پایه های مردمی" باشد. نباید فراموش کرد، که حزب در ابتدای ایجادش دارای کیفیت عالی بوده یعنی خط صحیح انقلابی و کمیت مناسب را دارا می باشد. چونکه کیفیت و کمیت مناسب در یک رابطه دیالیکتی قرار دارند. چنانچه کمیته ریم در صفحه ۱۲ شماره ۲۶ (جهانی برای فتح) چنین نگاشته است: "حزب مارکسیست. لننیست باید بر یک خط و برنامه صحیح مبتنی باشد... بقول بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی برای این امر ساختمان حزب باید با پاسخ گوی به "سوالات عاجل سیاسی که باید برای پیشرفت جنبش انقلابی حل شود" مرتبط باشد..... بعلاوه پیش شرط تاسیس حزب، تلاش برای تکوین اسکلیت حد اقل یک ساختار تشکیلاتی است که بتواند پراتیک انقلابی را بر اساس خط صحیح جلو ببرد" تاکید از ما است.

و همچنان بابه او اکیان از چه باید کرد لین نقل قول میکند: "درس های ارزشمند پیرامون خود روی توده ها و آگاهی انقلابیون و نیاز به یک حزب پیش اهنک که ستون فقراتش انقلابیون حرفه ای استند(نه بدان معنی که هر یک از اعضای حزب باید انقلابی حرفه ای باشد)....ستون فقرات حزب که انقلابیون حرفه ای هستند این تکامل مهمی در مارکسیسم است".

پس بیایید رفقا که برای تکوین حد اقل ساختار تشکیلاتی حزب دست به کار شویم تا بتوانیم مطابق خطی که برای خلق افکار عمومی و کسب قدرت سیاسی در برنامه تسویدی ارائه داشته ایم حزب پیشاهنگ انقلابی را ایجاد و در پروسه پراتیک انقلابی به یک حزب قدرتمند و فعال ارتقا دهیم. این اصل را نباید فراموش کرد حزب در پراتیک انقلابی جنگ خلق به یک حزب جنگی، نظامی، قدرتمند و فعال تکامل مینماید.

۲. همچنان رفیق در صفحه دوم همین نوشته خود مینگارد "در کشور های تحت سلطه برای فعالین جنبش کمونستی اکثراً این امکان محدود است که ازادانه بتوانند با توده های خلق پیوند و ارتباط برقرار کرده و با انتقال اندیشه های انقلابی سطح آگاهی سیاسی انها را ارتقا داده و شرایط ذهنی را در جامعه آماده سازند" و همچنان در ارتباط به کشور خود که حتی یک کشور تحت اشغال و مستعمره است رفیق چنین نگاشته است: "در شرایط کنونی هم جنبش کمونستی (م.ل.م) کشور به لحاظ ایدیولوژیک سیاسی و تشکیلاتی در چنین موقعی نیست تا برای بیداری سیاسی و بسیج توده های مردم فعالیت گسترده را انجام داده و آنان را در جهت ترد سلطه استعماری امپریالیست های اشغالگر و دولت دست نشانده رهبری کند. به عبارت دیگر باید اذعان نمود که در طی تقریباً ۴۰ سال بخش های مختلف جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان نتوانستند اختلافات و تضاد های داخلی شان را حل کرده و با ایجاد حزب کمونست انقلابی مبارزه را در جهت حل تضاد های طبقاتی درون جامعه به پیش برده و گام های در جهت پیروزی انقلاب دیموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی بردارند". بلی رفیق این یک واقعت است که امپریالیسم اشغالگر و جنایت پیشه و مزدوران فیودال کمپرادور آنان با وجود ادعای دیموکراسی کاذب هیچوقت به کمونست های انقلابی اجازه نمی دهند که به توده های خلق ازادانه ارتباط بگیرند و با انتقال اندیشه های انقلابی شان سطح آگاهی خلق های ستم دیده را بالا برده و شرائط ذهنی را در جامعه برای انقلاب کردن آماده سازند. مگر چه باید کرد؟ آیا منتظر نشست که شرائط ذهنی خود بخودی آماده گردد؟ نه خیر. بلی میدانیم که شما هم به این نظر تجدید گرای و او رو سنتریک مخالف هستید. اذعان باید نمود که در تمام کشور های تحت سلطه خاصاً در کشور تحت اشغال نظامی و مستعمره خود ما که دکتاتوری امپریالیستی و فیودال کمپرادور در ان مسلط است. کمونست های انقلابی نمیتوانند بدون تداوم مبارزه انقلابی توده های وسیع مردم را به یک بارگی از نظر سیاسی به مفکوره های انقلابی مجهز سازند؛ تا مردم در یک زمان کوتا برای انقلاب کردن بر پا خیزند. پس درین شرائط خیلی حساس که ستم امپریالیسم در کشور در بالاترین حد قرار دارد؛ یعنی روزانه دهها نفر به اثر بمبارتمان های هوایی امریکا و ناتو در تفاهم با حملات خون اشام طالبان به قتل میرسند؛ فقر، گرسنگی، بی سرپناهی، بیکاری بر میلیون ها انسان بیداد میکند؛ ناسیونالیسم شونیستی و ناسیونالیسم ملت های اقلیت به شکل افراطی عله طبقات ستمکش کشور به بالاترین قله ستم گری حد صعودی خود را می پیماید، تضاد های ملیتی، مذهبی و نژادی به نهایت درجه دامن زده میشود، ستم بر زنان به بالاترین سرحد ان یعنی کشتار و سوختاندن زنان، تجاوز جنسی بر اطفال معصوم، اختتاف اطفال و قاچاق مواد مخدر به دخالت مستقیم باند مافیا به حد نهایی بالا رفته است. پس این همه ستم گری های امپریالیسم اشغالگر و نوکران فیودال کمپرادور انها که بر کشور به

شدد بیداد مکنند تضاد های عینی بین خلق های ستم دیده کشور و امپریالیسم اشغالگر امریکا را حادثه ساخته و زمینه های مساعدی را برای احیای شرائط ذهنی انقلاب کردن را آماده ساخته است بناء حزب پیش اهنک پرولتاریا است که با دانستن خط درست و صحیح ایدیولوژیک سیاسی جهت احیای شرائط ذهنی توده های وسیع ستم دیده کشور دست به کار میشود. با این دید توجه کنیم که میگوید "انجا که ستم باشد، مقاومت سر بلند میکند" و "این قانون اساسی در تکامل اجتماعی است".

رفیق گرامی ما و شما بهتر میدانیم که بنا بر گفته بابا اوکیان "حتی بعضی از افراد هستند که طالبان اصیل انقلاب اند، کسانی که عمیقاً از جامعه کنونی منزجر اند اما به میزان یعنی دچار بدگمانی شده اند. همچنین ان مسئله به تقویت گرایشات ریفرمیستی در ان ها می انجامد، چرا که قانع شده اند که انقلاب به هر صورت درست به جلو نمی رود بنا برین اگر بتوانیم لا اقل زندگی را ازین یا انطریق بهبود بخشیم؛ این دیگر بهترین چیزی است که میتوان ارزویش را داشت." ما نمی خواهیم صرفاً از مبارزه فوری روزمره توده ها یک اصل بسازیم و به تنهای انرا یک ضرورت بدانیم، و ایجاد پیشاهنگ انقلاب یعنی حزب را کنار بگذاریم و همچنان ما نمیتوانیم صرفاً در سدد ایجاد عنصر رهبری کننده انقلاب یعنی حزب منحیث اصل باشیم و مبارزه فوری روزمره توده ها را فراموش نمائیم. چون که پذیرفتن یکی از این دو اصل به تنهای گرایشات انحرافی است. بلکه ما از یک طرف به مبارزه فوری انقلاب یعنی افشاگری های سیاسی دشمن به طور مستمر ادامه بدهیم و همچنان مبارزه عله هر نوع انحرافات رویزونیستی و اپورتونیستی جنبش را به پیش میبریم و از جانب دیگر توام به این مبارزه در سدد تدارك ایجاد پیشاهنگ مبارزه انقلابی یعنی حزب کمونست واقعی (م.ل.م) افغانستان میباشیم، این یک اصل اساسی و تعیین کننده است چون که انقلاب را بر اساس برنامه ایدیولوژیک سیاسی انقلابی رهبری میکند. هیچ زمانی این دو اصل از هم جدا نیستند و با هم رابطه دیالکتکی دارند و محصول تضاد های عینی جامعه اند. چنانچه (گونزالو) میگوید: "سوال این نیست که ما چند نفر هستیم باید پرسید که چقدر مصمم ایم این کار را انجام دهیم. این صحیح است که فراموشی یک اصل و صرفاً تاکید بر اصل دیگر انحرافاتی است که در طول چهل سال جنبش کمونستی کشور بر ان مبتلا بود چون که بر یکی از این اصول یعنی مبارزه فوری بدون داشتن یک برنامه کمونستی یعنی خط صحیح ایدیولوژیک سیاسی حزب کمونست انقلابی (م.ل.م) افغانستان تاکید داشتند و عنصر اساسی و مبارزه انقلابی یعنی پیشاهنگ پرولتاریا را به باد فراموشی سپرده بودند؛ که بلاخره همین عامل سبب شد که جنبش در جهت صرفاً به محفل گرایی لغزید و هر محفل مرتکب مشی های انحرافی گوناگون شده که فعلاً هم فشرده این انحرافات در حزب کمونست (مائویست) کماکان ادامه دارد.

پس خواهش ما این است باید رفقا در پهلوی مبارزه فوری انقلاب در پروسه تدارك و ایجاد حزب کمونست واقعی (م.ل.م) را تسریع بخشیم تا در منجلا ب انحرافی محفل گرایي گذشته جنبش نه غلطیم و به ارمان نهایی انقلاب یعنی پروسه خلق افکار عمومی و کسب قدرت سیاسی که مراحل سخت و پر پیچ انقلابی را احتوا می نماید نایل ایم.

مرگ بر انتخابات تزویری ۲۹ اسد
انتخابات ۲۹ اسد را جداً تحریم میداریم
مرگ بر امپریالیسم تجاوزگر و دولت دست نشانده ان
پیروز باد انقلاب دیموکراسی نوین در کشور
زنده باد سوسیالیسم برای نیل به کمونیسم جهانی

کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان

۲۰۰۹ جوزی ۸۸.۲.۱۲ مطابق است به ۷ جوزی ۲۰۰۹